

مقدمه

در سال‌های اخیر، کشورهای سلطه‌جوی غربی با اعمال تحریم‌های ناجوان‌مردانه علیه کشورمان در پی تضعیف پایه‌های اقتصادی کشور و تحمیل فشارهای معیشتی بر مردم بوده‌اند تا بتوانند در بلندمدت حس استقلال‌طلبی و روحیه خودباوری مردم مسلمان ایران را، که بر آمده از مبانی اسلامی است، تحت الشعاع قرار دهند که در بعضی بخش‌ها، به موفقیت‌های مقطعی نیز دست یافته‌اند.

می‌توان یکی از علل آسیب‌پذیر بودن نظام اقتصادی کشور را عدم بهره‌گیری از ظرفیت عظیم دین در ترویج فرهنگ کار و تولید، عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی و همچنین نبود یک نظریه و الگوی جامع و مبتنی بر لوازم فرهنگی و دینی داخلی دانست؛ نظریه‌ای که برخاسته از عمق دین و مناسبات فرهنگی داخل کشور باشد. از این رو، مقام معظم رهبری با درک صحیح این موضوع، نظریه «اقتصاد مقاومتی» را مطرح نمودند. این نظریه گامی اساسی است در جهت نیل به اقتصادی درون‌زا و پویا، مبتنی بر نیازها و امکانات داخلی و بر بنیان‌های دینی و بومی است.

اما به نظر می‌رسد به سبب گستردگی چتر مفهومی این نظریه، لازم است محققان مبتنی بر بایسته‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و نیروی انسانی داخل، به بسط و تبیین جوانب این نظریه و ارائه سازوکار اجرایی کردن آن بر پایه امکانات و اقتضات داخلی اقدام کنند.

از این رو، آراء و افکار عالمان شیعه به عنوان مفسران وحی و مروجان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام که همواره دغدغه اصلی‌شان اعتلای نظام اسلام و حفظ عزت و اعتبار مسلمانان بوده و آیاتی همچون آیه شریفه «وَ أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) را محور اقدامات اصلاحی خود قرار داده‌اند، می‌تواند الگو و مبنایی باشد در جهت پشت سر گذاردن مخاطرات و آسیب‌های اقتصادی که از جانب تحریم بیگانگان متوجه کشور است.

استخراج الگویی جامع از افکار و سیره عالمان شیعه در دو سده اخیر، از آنجا اهمیت می‌یابد که مناسبات کشورهای سلطه‌جو با ایران در سده اخیر، بر چپاول منافع و سلطه سیاسی و فرهنگی تعریف شده و در مقاطعی همچون اواخر، دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، فشار سیاسی دولت‌های خارجی بر ایران، به حدی رسید که منجر به اشغال خاک ایران توسط آنان شد. در این شرایط، همواره عالمان دینی به عنوان رهبران مبارزه، برای گذر از این بحران‌ها، اقدامات شایسته و لازمی در جهت حفظ اقتدار کشور، و عزت مسلمانان انجام دادند و توانستند دست اجانب را از تسلط بر این آب و خاک کوتاه کنند.

این پژوهش می‌کوشد با بررسی دقیق متون تاریخی معتبر، از جمله مکاتبات و فتاوی علمای آن

مؤلفه‌های «اقتصاد مقاومتی» در سیره و تبلیغ عالمان دینی متأخر

مهدی حیدری کنایونچه / دانشجوی دکتری مدیریت رسانه مرکز پژوهش صدا و سیما Heidari.redaneh@gmail.com
سیدعلی محمدی متکازینی / کارشناسی ارشد علوم ارتباطات مرکز پژوهش صدا و سیما Seyyedali48@yahoo.com
دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۰۱

چکیده

طرح نظریه «اقتصاد مقاومتی» توسط مقام معظم رهبری، به عنوان اقتصادی درون‌زا، پویا و مبتنی بر اقتضات دینی و ملی، طرحی است اساسی در جهت نوزایی اقتصاد داخلی و خروج کشور از رکود و وابستگی به بیگانگان. سیره عالمان شیعی در دو سده اخیر، که کشور بارها آماج هجوم بیگانگان و دست‌خوش مداخلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان بوده است، می‌تواند ما را در تعیین راهبردها و راه‌کارهای اجرایی کردن منویات رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی راهنمایی کند. این تحقیق کوشیده است به روش «داده بنیاد» اندیشه و سیره اقتصادی رهبران دینی دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی را تحلیل کند و با استخراج مؤلفه‌های بنیادین افکار و رفتار سیاسی و تبلیغی آنان، الگویی کاربردی برای تبیین بهتر مفهوم اقتصاد مقاومتی مبتنی بر تاریخ و تمدن اسلامی کشور ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، عالمان دینی، روش «داده بنیاد».

دوره، مطبوعات و اعلامیه‌های دوره قاجار و اوایل دوران پهلوی، برای تبیین راه‌کارهای نظام اقتصادی منظور علمای شیعه در این مقطع، مؤلفه‌ها و الگوی اقتصادی آنان را استخراج کند.

اقتصاد مقاومتی

«اقتصاد مقاومتی» یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی است که رهبر انقلاب در چند سال اخیر مکرر بر آن تأکید داشته‌اند. اقتصاد مقاومتی اگرچه نگاهی به شرایط تحریمی حال حاضر کشور دارد، اما فراتر از آن است. در حقیقت، مهم‌ترین مسئله در اقتصاد مقاومتی، تکیه بر عوامل درون‌زای قدرت و استحکام ساخت درونی است (پیغامی، ۱۳۹۴).

این مفهوم، بنیادی نظری برای الگوسازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم بیش از پیش آماده ساخته است. سازوکارهای اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، و نهادهای مالی و واسطه‌ای اقتصاد مقاومتی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شود که کشور در تعارض ایدئولوژیکی دایم با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود (ترابزاده جهرمی، ۱۳۹۲). از این رو، «اقتصاد مقاومتی» مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلانی و مدبرانه، پیش‌شرط چنین موضوعی است (فرزندی اردکان، ۱۳۹۴، ص ۶۴).

مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را الگوی عملی متناسب با نیازهای کشور، متکی به امکانات کشور (درون‌زا)، متعامل با اقتصادهای جهانی (برون‌گرا)، اقتصادی مردمی (مردم‌بنیاد)، اقتصادی بر پایه دانش (دانش‌بنیاد)، مبتنی بر تولید ثروت و افزایش ثروت ملی (عدالت‌محور) و همیشه بارور است (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱ فروردین ۱۳۹۳).

در چنین فضایی، تحریم اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای است که زیر فشار آن می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آن را تسریع کرد.

بسیاری از کشورها در شرایط بحران و تحریم، راهبردی را تحت عنوان «مقاومت اقتصادی» در پیش می‌گیرند که به لحاظ مفهومی و کارکردی، متفاوت از «اقتصاد مقاومتی» است. راهبرد مزبور، به دلایل پیش‌رو ناکارآمد است:

۱. انفعالی است و رویکرد کنشی - واکنشی یا به تعبیر بهتر، دفاعی به تحریم‌های اتخاذ شده است.

۲. امکان تضعیف تدریجی اقتصاد ملی وجود دارد.

۳. در این فرایند هزینه زیادی بر کشور تحمیل می‌شود.

متأسفانه راهبرد کنونی کشور در حوزه اقتصاد و در شرایط تحریم‌ها، مبتنی بر درون‌زایی نبوده و رفع کامل مشکلات اقتصادی را در عوامل خارجی می‌بیند، که لازم است این شیوه اصلاح گردد.

روش تحقیق

روش این پژوهش کیفی و از نوع «داده بنیاد» است. روش نظریه‌پردازی «داده بنیاد» به گونه‌ای است که محقق نیازمند یک نظریه جدید درباره پدیده موضوع مطالعه است. این برخورد - یعنی خلق نظریه - متفاوت از جمع‌آوری و تدوین مجموعه‌ای از نظریات قبلی درباره موضوعی خاص است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۷). از این رو، می‌توان روش نظریه‌پردازی «داده بنیاد» را از حیث کارآمدی و کمک به فهم محقق، در رتبه‌ای بالاتر قرار داد؛ زیرا افراد موجود در یک محیط را در نظر می‌گیرد، احساسات آنان را درک می‌کند و تا حد امکان سعی می‌نماید پیچیدگی‌های موجود در فرایند رفتارها و تعاملات را بازتاب دهد (کرسول، ۲۰۰۵، ص ۳۹۶).

نظریه تولیدشده در روش نظریه‌پردازی «داده بنیاد»، نظریه‌ای فرایندی است؛ زیرا نحوه نگاه و بررسی موضوعات در این روش مبتنی بر نگاه فرایندی است. «فرایند» در اینجا، به معنای زنجیره‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع است (همان، ص ۴۰۴). بنابراین، لزوم اتخاذ نوعی نگاه فرایندی در مطالعه و بررسی پدیده موضوع مطالعه تحت این روش امری ضروری است که به اعتبار هرچه بیشتر تحقیق کمک می‌کند. ابزار به کار رفته در این روش، عبارت است از: «نمونه‌گیری نظری» و «رمزگذاری».

«نمونه‌گیری نظری» عبارت است از: نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها (محمدپور، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۲۵). «نمونه‌گیری نظری»، توسعه مفاهیم را بر اساس محتوا و ابعاد آنها به حداکثر می‌رساند، تنوع‌ها را آشکار ساخته و رابطه بین مفاهیم را شناسایی می‌کند (کوربین و استراس، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

«رمزگذاری» نیز در سه مرحله رمزگذاری «باز»، «محوری» و «گزینشی»، صورت می‌گیرد که در هر یک از این مراحل، رمز یا رمزهای الصاق‌شده باید داده‌های مرتبط با خود را به حد اشباع برساند (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۳۲۷).

آخرین مرحله در این روش، که البته به صورت رفت و برگشتی در تمام مراحل تحقیق اجرا می‌گردد، «تحلیل داده‌ها» است. «تحلیل» در نظریه، زمینه‌ای به بررسی و رمزگذاری مواد برای تعیین ویژگی‌ها و کارکردهای آن و سپس به‌کارگیری دانش به‌دست‌آمده برای ارائه استنباط‌ها در کل مطالعه است (همان، ص ۲۸).

جامعه آماری در این نوشتار، اعم است از نسخ تاریخی، اعلامیه‌ها و فتاوی صادرشده توسط علما در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی که به صورت مستقل منتشر و یا در جراید و مطبوعات آن دوره چاپ شده است و در عین حال، بیشترین قرابت را با موضوع پژوهش دارد.

از این رو، با اجرای مراحل سه‌گانه روش «داده بنیاد»، یعنی انواع نمونه‌گیری‌های ذکرشده، اسناد موجود بررسی گردیده و با رمزگذاری مفاهیم و پس از آن با تعیین مقولات، شرح‌واره‌ها و خلاصه کردن مقولات، ابعاد مفهومی و محتوایی تعیین، و در نهایت الگو استخراج و روابط بین ابعاد و مقولات تحلیل گردیده است.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از منظر عالمان دینی متأخر

یافته‌های تحقیق از تحلیل سیره و افکار علمایی همچون حاج آقا نورالله اصفهانی (۱۲۷۸-۱۳۰۶ق)، سیدمحمدکاظم یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق)، ملامحمدحسن مامقانی (۱۲۳۸-۱۳۲۳ق)، شیخ محمدباقر بهاری همدانی (۱۲۷۷-۱۳۲۳ق)، شهید سیدحسن مدرس (۱۲۴۹-۱۳۱۶)، علامه میرحامدحسین هندی (۱۳۰۶-۱۲۴۶ق)، ملافتح‌الله اصفهانی (۱۳۳۹-۱۲۶۶ق)، سیدمحمدتقی خوانساری (۱۳۷۱-۱۲۶۷) محمدکاظم خراسانی (۱۲۱۸-۱۲۹۰ق)، شیخ محمدتقی بافقی (۱۲۹۲-۱۳۶۵ق)، حاج آقا حسین طباطبایی قمی (۱۲۹۰-۱۳۸۶ق)، میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۵۸-۱۳۳۸ق)، آیت‌الله مرعشی نجفی (۱۴۱۱-۱۳۱۵ق)، آیت‌الله محمد کوهستانی (۱۳۵۱-۱۳۰۸) و سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۴۰۱-۱۳۲۱ق)، با بررسی اسناد فوق‌الذکر به دست آمد.

منطق پژوهش ایجاب می‌کند ابتدا، رمزگذاری‌ها و سپس استخراج مفاهیم و تنظیم مقولات با اطمینان از اشباع نظری انجام شود. در این پژوهش، پس از فرایند تحلیل و خلاصه‌سازی مفاهیم و مقولات، در نهایت، چهار مقوله «زیرساخت‌های اقتصادی»، «راهبردهای اقتصادی»، «مدیریت اقتصادی» و «اهداف اقتصادی»، به عنوان مؤلفه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی منظور عالمان دینی استخراج گردیده و الگوی نهایی بر اساس این مؤلفه‌ها و روابط موجود بین آنها طراحی گردیده است.

اگرچه در گزارش روش تحقیق «داده بنیاد»، نیازی به ارائه مصادیق و محتوای بررسی در متن گزارش وجود ندارد، ولی به سبب آنکه تحقیق پیش‌رو بر پایه مفاهیم موجود در اسناد تاریخی تهیه شده و اثبات صحت و سقم نقل‌های تاریخی ضروری است، بخشی از متون و مصادیق در دست بررسی، در گزارش تحقیق ذکر شده است. همچنین در نهایت، جدولی از مفاهیم و مقولات استخراجی ارائه شده است.

الف. مدیریت اقتصادی

مدیریت صحیح منابع، اعم از انسانی و مادی، یکی از مسائل اساسی است که موجب بهره‌وری بیشتر از امکانات موجود شده و موجب پویایی و توانمندی بیشتر اقتصاد و اثبات کردن آن در درازمدت می‌گردد.

در سیره علما، بر امر «نخبه‌گرایی» در اداره امور اقتصادی کشور و نیز استفاده بهینه از امکانات و تعامل بین نهادهای مرتبط، مثل دولت و مجلس بسیار تأکید شده است.

مرحوم مدرس اقتصاد کشور را مسئله‌ای مهم می‌داند و برای مدیریت صحیح آن، مجلس و دولت را مسئول می‌خواند:

بنده اساساً عقیده‌ام بر این است. دو هفته قبل هم خاطراتان می‌آید، آقایانی که در اقتصادیات مذاکره می‌فرمودند، اول مسئله مهم مملکت را اقتصادیات فرمودند و عقیده من هم این است که دولت و مجلس باید همتش را بر این بگذارند... (ملک‌محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸).

ایشان در بیان راه‌حل‌های خود برای اصلاح نظام اقتصادی کشور، مسئله کاهش تصدی‌گری دولت را مطرح می‌کند:

تجربیات به ما نشان داده است که دولت، نه ملاک خوبی است، نه تاجر خوب و نه مدیر حمل و نقل خوب و هر چه به این کارها دست بزنند، موجبات خسارت و ضرر دولت است (همان، ص ۱۷۹-۱۸۰). دولت باید مابه‌الاحتیاج خودش را از عایدات مردم بگیرد؛ اما اگر بخواهد خود عایدات پیدا کند، نمی‌تواند. اگر دولت بخواهد دلال یا تاجر یا کاسب باشد، جز اسباب زحمت، چیز دیگری برای مردم نخواهد بود (همان، ص ۱۸۰).

«شایسته‌سالاری» و «نخبه‌گرایی» در مدیریت اقتصادی، یکی از ارکان توسعه اقتصادی است که موجب بهره‌وری و ثبات بیشتر در اقتصاد هر کشور می‌شود. یکی از عالمان پیش‌رو در طرح و پی‌گیری این مسئله مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی بود. ایشان پس از سقوط رضاخان و ۱۰ سال دوری از وطن، به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران آمد و در بازگشت، هنگام توقف در تهران، پیشنهادهای معروفی به دولت وقت ارائه داد که بند پنجم آن عبارت است از:

موضوع اقتصاد و تجارت تحت نظر متخصصین اداره شود، به طوری که توازن صادرات و واردات حتی الامکان حفظ گردد و کمبود مواد غذایی و خواربار، که فشارش به دوش طبقه ضعیف است، از بین برود (حسینی، ۱۳۷۵، ص ۳۰).

یقیناً تعامل سازنده دولت و ملت نیز یکی از عوامل پیشرفت و شکوفایی کشور است. از این رو، یکی از مصادیق مدیریت اقتصادی عالمان دینی را می‌توان در تنظیم رابطه اقتصادی دولت و ملت ذکر کرد.

رهبری دینی در عهد قاجار، با حمایت از جای‌گزینی استقراض دولت از مردم، به جای استقراض از دولت‌های خارجی، که یکی از مقدمات وابستگی دولت ایران به اجانب و دست‌اندازی به اقتصاد ایران بود، در قالب تأسیس بانک ملی، به‌عنوان یکی از اقدامات شایسته در عرصه مشارکت اقتصادی دولت و ملت، خود را جلوه‌گر ساخت.

در اسناد عهد قاجار آمده است:

هنوز یک ماه و نیم بیشتر از تشکیل مجالس اول نگذشته بود که دولت لایحه استقراضی را تقدیم مجلس کرد. طرح استقراض از سوی ناصرالملک، وزیر وقت مالیه، ارائه شد و مبلغ آن بیست کرور تومان بود. دولتین روس و انگلیس برای پرداخت این وام، شرایط سنگینی برای طرف ایرانی در نظر گرفتند (آبادیان، ۱۳۸۳، ص ۴۵۱-۴۵۲).

در واکنش به این موضوع، علمای عراق به آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری همدانی مجتهد، مأموریت دادند به تمام سفارت‌خانه‌ها اعلام دارد که دولت‌های بیگانه حق استقراض به شاه را ندارند و مسئولیت این کار بر عهده خود آنان خواهد بود. علمای ایران پیشنهاد کردند که برای رفع نیازمندی‌های دولت، از مردم استمداد شود و بانک ملی تشکیل گردد (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۵۶-۵۷).

این امر موجب شد تا موضوع وام گرفتن از بیگانگان در مجلس شورای ملی به بحث و نظر گذاشته شود. پس از طرح پیشنهادات زیادی در این خصوص، آخر الامر حاجی معین‌التجار، تأسیس بانک ملی را مطرح و پیشنهاد نمود. [این طرح که در متن خود، اندیشه‌رهای کشور از استعمار اقتصادی را تعقیب می‌کرد] از سوی وطن‌خواهان با حسن استقبال روبه‌رو شد... در پس این قضایا، طلاب مدارس با فروش کتاب‌های خود، زنان با فروش زیورآلات خود، ایرانیان مقیم باکو، قفقاز، هند، استانبول و... با ارسال تلگراف و... در تحقق بانک ملی ایران مشارکت کردند (همان، ص ۴۵۴). از جمله بزرگانی که از این طرح حمایت کامل کرد، مرحوم شیخ فضل‌الله نوری بود که کسروی در این خصوص می‌نویسد: «ملایان که به چنین کارها کمتر درآمدندی، آنان هم همراهی می‌نمودند. حاجی شیخ فضل‌الله دویست تومان به گردن گرفت» (کسروی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲).

شهید مدرس نیز در جهت اصلاح نظام اقتصادی، با رد استقراض خارجی، با این بیان که ما نمی‌توانیم پول از خارج بیآوریم تا اقتصادمان را درست کنیم، ما نمی‌توانیم پول قرض کنیم و اقتصادمان را اصلاح کنیم؛ معتقد بود که مخارج کشور باید از داخل تأمین شود:

امروز که پروگرام هیئت دولت را آورده، بنده دو اصل را تصدیق کردم. یکی اینکه مخارج مملکت، حتماً باید از داخل مملکت تهیه شود و یکی اینکه جلوی مخارج زاید گرفته شود (ملک‌محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸).

یکی دیگر از ارکان مدیریت اقتصادی کاهش هزینه‌های دولت و خانوارهاست که می‌توان تجلی این مسئله را از منظر عالمان دینی در پرهیز از اسراف و اشرافی‌گری دانست.

روشن است که اقتصاد مصرف‌زده آسیب‌پذیر است و این معضل، یکی از موانع توسعه اقتصاد کشورهای عقب‌مانده محسوب می‌شود. از این رو، علمای شیعه، با نظر داشت به این مسئله، به شدت روحیه اسراف و اشرافی‌گری را سرزنش کردند.

در طول تاریخ تشیع و خصوصاً در سده اخیر، علمای شیعه ساده‌زیستی را سرلوحه کار خویش قرار داده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز ساده‌زیستی آیت‌الله وحید بهبهانی است. زهد این عالم بلندپایه به اندازه‌ای بود که لباس‌هایش کرباس و تابدار بود و بیشتر آنها را همسر مکرمه‌اش، مادر آقا محمدعلی صاحب مقام، درست می‌کرد و می‌بافت (مختاری، ۱۳۷۷، ص ۴۵۵).

همچنین بیانیه علمای اصفهان در آن برهه، به خوبی فرهنگ اسراف و اتراف را هدف قرار داده است. در بند چهارم و پنجم این بیانیه آمده است:

میهمانی‌ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه، چه خاصه، باید مختصر باشد: یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره. اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم. هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

وافوری و اهل و افور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛ زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسرا: ۲۷)؛ «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) «وَلَا تَلْفُؤْا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى الْتِهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) و حدیث «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ» ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن، محسوس و سُری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم. امضای آقایان کرام و علمای فخام کثرالله امثالهم (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۸۴).

ب. راهبردهای اقتصادی

در طول تاریخ تشیع، همواره عالمان دینی به‌مثابه رهبران فکری جامعه، در عرصه‌های گوناگون، وظیفه هدایت و راهبری مردم را بر عهده داشته‌اند که یکی از آن حوزه‌ها، بخش اقتصادی است. در این میان،

جایگاه رهبران و اشراف آنان بر مسائل و مشکلات مردم و جامعه، درکی جامع و عمیق به آنان می‌داد تا بتوانند وظیفه رهبری و ترسیم راهبردهای توسعه و پیشرفت جامعه را نیز بر عهده داشته باشند.

آنان راهبردهای متفاوتی را برای رفع مشکلات اقتصادی پی‌گیری کردند که یکی از آنها مسئله خودکفایی همه‌جانبه و درون‌زای جامعه اسلامی است. از منظر آنان، اقتصادی موفق خواهد بود که علاوه بر تحریم اقتصادی دشمن، و عدم مصرف کالاهای بیگانه، در جهت رفع نیاز داخل و احتیاجات مردم، به تقویت تولید ملی اقدام نماید، و گرنه مواجهه منفی و قطع واردات، به تنهایی نمی‌تواند موجب ثبات و شکوفایی اقتصاد گردد. در این خصوص، شاهدیم عالمان دینی معاصر پرچمدار حمایت و حتی فراتر از آن، مشارکت در راه‌اندازی صنایع و تولیدات داخلی هستند.

حاج آقا نورالله اصفهانی (۱۳۰۶ق)، یکی از علمای طراز اول عهد قاجار بود که پس از درک و شناخت آسیب‌ها و خطرات وابستگی کشور به اجانب، سخنرانی‌های مهیجی در تحریم کالاهای بیگانه و حمایت از تولیدات داخلی و همچنین تشویق مردم به عدم مصرف کالاهای خارجی و استفاده از تولیدات داخلی ایراد کرد.

وی به منظور کاهش سلطه بیگانه بر کشور، به ایجاد نهادها و ساختارهایی به منظور آغاز اصلاحات اقتصادی اقدام نمود. تلاش‌های او در زمینه ایجاد و توسعه صنعت و تجارت نساجی، به خوبی نشان می‌دهد که ایشان به اقتضانات و نیازهای روز و زمینه‌های تاریخی و بومی صنعت کشور، آگاه بوده است.

اساس مبارزه اقتصادی حاج آقا نورالله امور ذیل بود:

الف. مبارزه منفی و تحریم اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی اجانب؛

ب. تلاش برای سازندگی و خودکفایی ملی (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

مرحوم حاج آقا نورالله «شرکت اسلامی اصفهان» را در سال ۱۳۱۶ ق، تأسیس و با تشکیلات منظم، در همه شهرها شعبه‌هایی را دایر و حتی در برخی کشورهای خارجی نیز دفاتری ایجاد کرد. تولیدات این شرکت در سراسر کشور پخش شد و مردم با عشق و علاقه، لباس‌هایی که پارچه‌اش خارجی بود، درمی‌آوردند و به جای آن، از قماش‌های ساخت این شرکت استفاده می‌کردند که این امر موجب ایجاد غرور ملی برای نفی اقتصاد بیگانه و حمایت از تولیدات داخلی است.

پیرو تأثیرگذاری این شرکت، هشت تن از مراجع تقلید و علمای بزرگ به نام‌های آیت‌الله آخوند خراسانی، آیت‌الله سیداسماعیل بن سیدصدرالدین عاملی، آیت‌الله حاج میرزا حسین، آیت‌الله حاج میرزا خلیل، آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی، آیت‌الله محمد غروی شریانی، آیت‌الله محمدحسین ممقانی و

آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی، پشتیبانی خود را از ایجاد این شرکت اعلام کردند. آنان بر کتابی به نام *لباس‌التقوی*، که در حمایت از این شرکت نوشته شده بود، تقریظ نوشتند و کمک به شرکت اسلامی را با مبارزه با نیروی کفر یکسان دانستند (حائری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱).

فرازهایی از اساس‌نامه «شرکت اسلامی اصفهان»، به صراحت، اهداف استقلال‌طلبانه مؤسسان آن را تبیین می‌کند:

فصل ۲۱: این شرکت بکلی از دادوستد متاع خارجه ممنوع است. فقط هم خود را صرف ترقی متاع داخله و آوردن چرخ اسباب و کارخانجات مفید خواهد نمود، و حمل متاع داخله به خارجه برحسب اقتضا و به موقع خود، و در کشیدن راه شوسه و آهن اقدام خواهد کرد.

فصل ۲۴: تمام اجزا، از رئیس و مرئوس و امنای شرکت، حسب‌الشرط مجبورند لباس خود را از منسوجات شرکت و متاع داخله مصرف رسانند.

فصل ۳۳: هرگاه از داخله یا خارجی، از تبعه دولت علیه، کسی اختراعی که از برای عموم ملت سودمند باشد، بکند یا صنعت یدی داشته باشد، قوه مالی و شوق در انجام آن کار نداشته باشد، به شرکت اطلاع دهد. بعد از مشورت و تحقیق، شرکت حاضر است تدارکات او را، ولو که آن به آوردن چرخ و اسباب از خارجه باشد، با رعایت صرفه خواهد نمود (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

در این فصل (۳۳) اساس‌نامه، به صراحت از اختراعات داخلی حمایت شده که نشان‌دهنده عمق بصیرت مؤسسان این شرکت و باور به راهبردهایی همچون «نخبه‌گرایی» و بهره‌گیری از فناوری جدید را می‌رساند.

پس از گسترش «شرکت اسلامی»، بزرگان و مراجع تقلید حوزه علمیه نجف به ترویج آن پرداختند که مردم نیز از آن استقبال کردند. در نجف، اعلامیه‌هایی منتشر شد که به سه نمونه آن در ذیل اشاره می‌شود:

اعلامیه حضرت آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم یزدی

شایسته و مناسب و بموقع و محل است که عموم مؤمنین و کافه متدینین، از هر صنف و هر نوع، هریک به قدر مقدور و بودجه میسور، در تشیید اساس و ترویج این امر مهم اهتمام تمام و بذل جهد و صرف همت نمایند، و مهما امکن، از البسه و اقمشه خارجه متحرز باشند، بلکه سزاوار این است که در سایر جهات حرکات و سکنات و کیفیات لباس و طعام و شراب و گفتار و کردار، از وضع و طرز کفار، خود را برحذر و برکنار دارند (ثریا، ۱۳۱۷، ش ۱۳).

اعلامیه حضرت آیت‌الله العظمی حاجی میرزااحسین

«بسیار شایسته است که عموم رؤسای ملت و دولت، در ترویج این شرکت خیریه اسلامی بذل جهد نمایند» (همان).

اعلامیه حضرت آیت‌الله العظمی ملامحمدحسن مامقانی

بحمدالله تعالی، فراهم شدن اسباب تداول منسوجات اسلامی و سد ابواب حوایج مسلمین از ممالک خارجه، از نعم عظیمه این عصر با برکت است. چقدر شایسته است که عموم مسلمین با کمال شوق و اتحاد کلمه، در رواج آن و هجر منسوجات ممالک خارجه، که سبب اختلال امور کافه مسلمین شده، جدّ و جهد نموده، اسلام را رونقی تازه داده و با اتفاق کلمه اسلامی، مسلمین را آسوده نمایند (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

حتی دامنه نفوذ شرکت به مدارس هم رسید و آنها در حمایت از تولیدات داخلی متعهد شدند:

لباس، که از مدرسه به شاگردان داده می‌شود، عجالتاً سالی دو لباده زمستانی و تابستانی و عمامه و یک کلاه و زیرعمامه و دو جفت پافزار و تمام این اجناس، باید از ساخت داخله ایران باشد؛ چنانچه لباده‌هایی که برای شاگردان دوخته شده، همه از «شرکت اسلامی اصفهان» است و در مدرسه، شاگردانی که صنعت خیاطی آموخته‌اند، دوخته‌اند و عمامه آنها نیز از عمل کار اصفهان است و زیرعمامه از کرک است و به صورت فینه، آن هم از کار ایران است. و اگر استطاعتی از برای هر سه پیدا شد، پیراهن و شلوار نیز برای شاگردان دوخته خواهد شد (حبل‌المتین، سال هفتم، ش ۱۰، ص ۱۱۱).

این استقلال‌گرایی مکتبی میرحامدحسین هنای را بر آن داشت تا با وجود آن‌همه کار نگارش و تألیف، تنها از کاغذ و مرکب ساخت کشورهای اسلامی استفاده کند و از کاغذ و مرکب خارجی کمک نگیرد (اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۶۲).

مرحوم آخوند خراسانی با علم و آگاهی از آثار نوسازی تجهیزات و صنعتی شدن حرفه‌ها و تأثیر مستقیم آن بر پویایی، توسعه و بهره‌وری بیشتر اقتصادی، به عنوان راهبردی اساسی، بر ضرورت بهره‌گیری از تجربیات کشورهای پیشرو در صنعت و اقتصاد تأکید داشت. ایشان در بند هشتم نامه خود به محمدعلی شاه می‌نویسد:

سزاوار است به تاریخ مشاهیر پادشاهان جهان مراجعه و آن را مورد مطالعه قرار دهید تا ملاحظه نمایید که آنان چگونه برای نشر علوم و معارف دینی و مدنی همت گماردند، تا اینکه روی این زمینه، پایه استقلال مملکت خود را مستحکم داشتند و تاریخ را به بزرگواری اعمال و افعال خود روشن و مزین ساختند، تا آنجا که به آنها ضرب‌المثل زده شد و مجسمه‌هایشان برپا شد (جرفادقانی، ۱۳۶۴، ص ۳۶).

همچنین در بند چهارم این نامه، به‌ویژه به نقش فناوری‌ها و صنایع نوین در توسعه اقتصاد و استقلال ملی اشاره می‌کند:

همت گمارید در نشر و بسط علوم و صنایع جدید. آنچه باعث ترقی و تعالی سایر ملل گردیده و آنان را به اوج عظمت رسانیده همان فراگرفتن علوم و صنایع تازه بوده و این از بدیهیات مسلم است که ایرانیان از حیث استعداد و قابلیت، برتر از سایر ملل بوده و همیشه در طول تاریخ، از این لحاظ، پیشوا و مقتدای آنان بوده‌اند، و این عقب‌ماندگی که اکنون مشاهده می‌شود و مملکت را تا بدین حد فقیر و مبتلا ساخته،

ناشی از عدم توجه و التفات اسلاف و گذشتگان به این امور بوده و میل بیجای آنها به مصنوعات خارجی، باعث سرایت این مرض به سایر افراد مملکت گردیده و هستی و تجدید حیات و نوسازی ایران، بستگی به این نکته مهم دارد (جرفادقانی، ۱۳۶۴، ص ۳۶).

ج. زیرساخت‌های اقتصادی

یکی از مقولاتی که از تحلیل داده‌های مستخرج از متون تاریخی و تجرید مفاهیم به دست آمد، مفهوم «زیرساخت‌های اقتصادی» است. در طول تاریخ، یکی از دغدغه‌های اساسی عالمان شیعه نفی سلطه اجانب بر موجودیت اسلام و کیان مسلمانان بوده است. اصولی همچون «نفی سیل»، اصل «حرمت تشبه به کفار»، «حرمت دوستی با کفار» و بسیاری از مبانی دینی و فقهی دیگر، سلطه کفار و مشرکان بر مسلمانان را در تمام عرصه‌ها، از جمله اقتصاد نفی می‌کند. از این رو، علمای سلف سیاست‌ها و اقدامات خود را مبتنی بر اصل «استقلال همه‌جانبه کشور» پایه‌ریزی کرده‌اند.

قیام بزرگ و تاریخی تنباکو یکی از نقاط عطف مقاومت و عزت ملت ایران است که به رهبری مرحوم میرزای شیرازی بزرگ (۱۲۳۰-۱۳۱۲ق)، توانست با بهره‌گیری از قدرت عظیم مرجعیت شیعه و تمرکز بر مسئله اقتصاد، امپراتوری انگلیس را به عقب‌نشینی وادار کند و بارقه امید را در دل ملت مسلمان ایران، که طی چندین دهه شکست‌های متوالی، نفرتی خفته از اجانب روس و انگلیس در دل داشت، زنده کند و موجب هویت‌یابی مجدد ملت ایران گردد.

یکی از مصادیق وابستگی غرب در زمان ناصرالدین شاه قاجار، امتیاز اقتصادی «رویترز» بود که شاه به بیگانگان اعطا کرد که بر اساس آن، غیر از موادی درباره راه آهن و تراموای، که امتیاز انحصاری هر دو به مدت هفتاد سال مطلقاً به رویترز اعطا شده بود، حق بهره‌برداری همه منابع معدنی ایران هم به او واگذار شد، مگر طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی. همچنین در مقابل پرداخت وجه معینی به ناصرالدین شاه، امتیاز جنگل‌های دولتی و همه اراضی غیرمزروع و همچنین حق انحصاری ساختن کانال‌ها و قنات‌ها و امور آبیاری و اجاره تمام گمرک‌های مملکت به مدت ۲۵ سال واگذار شد، انتشار سند قرارداد در کشور، موجب مخالفت شدید علمای شیعه به رهبری ملاعلی کنی (۱۲۲۰-۱۳۰۶ق) و سید صالح عرب شد. آنها ضمن اینکه به مردم آگاهی می‌دادند و آنها را علیه قرارداد می‌شورانی‌اند، برخی رجال سیاسی از جمله اعتمادالسلطنه را نیز، که در آن موقع وزیر الطباعه بود و با سپه‌سالار خوب نبود، با خود همراه کردند. علاوه بر این، ملاعلی کنی طی نامه‌ای مبسوط به ناصرالدین شاه، اعتراض رسمی خود را اعلام کرد (ره‌دار، ۱۳۹۰، ص ۳۹۷-۳۹۸).

همچنین در سال ۱۳۰۶ق نیز شیخ فضل‌الله زمانی که کشورهای بیگانه، به‌ویژه روسیه، از طریق صادرات کالاهای خود، بخصوص قند و چای، نوعی وابستگی در ملت ایران به خود ایجاد کردند، طی نامه‌ای استفساری و استفتایی قضیه را به استاد خود میرزای شیرازی نوشت و از وی تعیین تکلیف کرد. میرزای شیرازی در جواب وی نوشت:

در جواب سؤال از قند و غیره، آنچه نوشته از ترتب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفره به محروسه ایران، صواب، و همیشه ملتفت به آنها و اصناف آنکه مایه خرابی دین و دنیای مسلمانان است، بوده‌ام و از اقدام شما در تهیه دفع آنها، که باید از محض غیرت دین و خیرخواهی مسلمانان باشد، زیاده مسرور شدم، و البته به هر وسیله‌ای که ممکن باشد رفع این مفاسد باید بشود... مورد مذکور، باب سیاسات و مصالح عامه است و تکلیف در این باب، عهده بر ذوی‌الشوکه از مسلمانان است که با عزم محکم مبرم، درصدد رفع احتیاج خلق باشد به مهیا کردن مایحتاج آنها. چه رجای ترک اموری که در ازمنه متداوله عادت شده، از اهل این زمان نیست و منع فرماید نفس خود و رعیت را از قند و غیر آن، بلکه منع از ادخال در ملک خود نماید (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴-۱۷۷).

یکی دیگر از مستندات تاریخی این امر، بیانیه سیزده تن از علمای طراز اول اصفهان است که در سال ۱۳۲۴ق کوشید با بازنمایی وحدت بین علما و مردم، هرگونه وابستگی به بیگانه را سم مهلک و خروج از این وابستگی را واجب بدانند. در آن بیانیه آمده است:

الف. قبایله‌جات و احکام شرعیه، از شنبه به بعد، باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نوشته شود مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قبایله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته و بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم؛ ماها با این روش متعهدیم.

ب. کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد متعهد شده‌ایم بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلات بر آن میت بخواهند؛ ماها را معاف دارند.

ج. ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قراردادیم مهما ممکن هرچه بدلی آن در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیر ایرانی را نپوشیم. احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی‌المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تابعین ماها نیز کذلک. متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۸۴).

همچنین در زمینه ترویج مصرف کالای‌های داخلی آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم یزدی، از مراجع عظام تقلید، در نامه‌ای به آقا میرزا رحیم، یکی از تجار ایران، می‌نویسد:

خداوند عالم بر توفیقات و تأییدات شما و هر کس که در ترویج ملبوسات و صنایع اسلامی، مجدانه سعی [است]، بیفزاید. در این زمان، که (دولت‌های) خارجه با انواع حیل، رشته کسب و صنایع و

تجارت - که مایه عزت و منشأ ثروت است - از دست مسلمین ر بوده و منحصر به خود نموده [اند] و مثل خون در مجاری عروق ایشان راسخ و نافذ شده و شغل اهل اسلام، به تدریج، منحصر به دلالی و بیع و شراء اجناس خارجه شده [است]. با آنکه اکثر مواد اجناس از قبیل پنبه و پشم و ابریشم و خاک چینی و غیره، خروار به ثمن بخش از بلاد مسلمین جلب می‌کنند و به الوان متعدده و اشکال مختلفه به بالاترین قیمت در بازار مسلمین متقال متقال فروش می‌رود (ابوالحسنی منذر، ۱۴۱۷ق، ص ۸۴).

به منظور آگاهی عموم از خطرات استعمار و سلطه اجانب نیز ایشان می‌فرماید:

مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج، رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه از ذل فقر و احتیاج و سؤال عملگی کفار و تشتت در بلاد کفر برهند (همان).

اساساً عامل مصرف در تحلیل سبک زندگی از اهمیتی اساسی برخوردار است. مصرف با کارکرد نمادین خود، هویت افراد را نشان می‌دهد. کارکرد نمایشی مصرف، ناشی از این واقعیت در دنیای نوین است که جهت‌گیری مصرف تنها ناشی از ضرورت رفع نیازهای زیستی نیست، بلکه انتخابی است که هویت متمایز را آشکار می‌سازد (موحد و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸).

از این رو، یکی از راهبردهای استعمارگران، هم‌راستا و هم‌جهت با سلطه اقتصادی، زمینه‌سازی فرهنگی و تغییر سبک زندگی و هویت آنهاست؛ زیرا با تغییر سبک زندگی و ترویج روحیه مصرف‌گرایی در مردم، بازار مصرفی در جهت فروش اجناس بیگانه و هرچه بیشتر مصرفی شدن جامعه و تضعیف روحیه تولیدگرایی و به تبع آن، سلطه اقتصادی فراهم می‌گردد. در این زمینه، عالمان شیعه با آگاهی از توطئه فرهنگی استعمارگران، به استفاده از کالاهای سستی داخل و صرفه‌جویی در مصرف پوشاک، لباس و ظروف خارجی توصیه اکید نمودند.

آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم یزدی در نامه‌ای خطاب به مردم می‌فرماید:

این احقر که از بدو عمر تاکنون اغلب اوقات، لباسم از منسوجات دارالعباده (شهر یزد) بوده و مکرراً به برداران ایمانی توصیه نموده و گفته‌ام که لباسی از ابتدای زرع ماده آن تا غزل و نسج و رنگ آن با کلمه طیبه «الله‌اللا، محمد رسول الله، علی ولی الله» انجام شود، جمعی از مسلمین از آن منتفع شوند کجا، و قماش‌های منحوس کم‌دوام خارجه کجا؟

و چند ماه قبل شرحی در جواب استفتای شخص تهرانی، وجوه متعدد در رجحان آن (شروعاً عقلاً و عرفاً) نوشته‌ام و اکنون که - بحمدالله - نوع علما و طلاب نجف اشرف کرباس اسلامی را پوشیده، امیدوارم اخوان مؤمنین اقتدا و تأسی به رؤسای ملت نموده، برحسب غیرت اسلامیت - مهما ممکن - اقتضار به همان ملبوسات اسلامی نمایند، بلکه در تمام اثاث البیت خود، تا ممکن است اکتفا به مصنوعات اسلامی نموده و در ملبوس و مطعم و مسلک خود، از شباهت به کفار بپرهیزند - چنان‌که در اخبار شریفه از آن نهی شده - بلکه تمام افعال و اعمال و اخلاق خود را اسلامی نمایند تا کلبتاً ممتاز و در صورت و معنی، به هیچ وجه شباهتی به کفار نداشته باشند. ان‌شالله تعالی، متدینین تجار هم بعد از این، اجناس خارجه را

به بلاد اسلامی جلب نکنند تا این یک مشت به کسب و کار و صنایع پردازند و تشت و تفرقه آنها بدل به اجتماع، به قلیل زمانی، نتایج حسنه آن را مشاهده نمایند(همان).

آیت‌الله محمدتقی باقری نیز در مقابله با فرنگی شدن سبک زندگی مردم، مجاهدت‌های فراوانی نمود که می‌توان به نحوه پوشش او به عنوان الگوی جامعه دین‌مدار اشاره کرد. آن مرد بزرگ در مدت عمرش، جز لباس کرباس و قدک اصفهان و یزد، لباس دیگری نپوشید و حتی عمامه‌اش هم از کرباس بود. هرگز از ظروف چینی و بلور خارج استفاده نکرد و در منزلش ظرفی جز از جنس مس و سفالین پیدا نمی‌شد و از آن دسته مواد غذایی، که از خارج وارد می‌شد، استفاده نکرد. ایشان برای استفاده از ملبوسات سنتی داخلی، سفارش‌های فراوانی به مردم داشت(رازی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۴). ایشان در زمینه مقابله با ترویج سبک زندگی غربی، اقدامات فراوانی انجام داد که نمونه‌ای از آن نهی از منکر و هشدار در خصوص بی‌حجابی به خانواده رضاشاه در حرم حضرت معصومه علیها السلام بود که به شکنجه و حبس آن عالم فقیه منجر شد (محمدی متکازینی، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

یکی دیگر از اعظام علمای شیعه مرحوم میرحامدحسین، صاحب مجموعه عظیم و پرارزش **عقبات الانوار** است. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در خصوص غیرت دین، و موضع‌گیری و بیداری او نسبت به نفوذ عوامل و مظاهر استعمار می‌گوید: امری عجیب است که میرحامدحسین این‌همه کتاب‌های نفیس، و این دائرةالمعارف‌های بزرگ را تألیف کرده است، درحالی‌که جز با کاغذ و مرکب اسلامی (یعنی کاغذ و مرکبی که به دست مسلمانان تولید می‌شده)، نمی‌نوشته است و این به سبب تقوای فراوان و ورع بسیار او بوده است. اصولاً دوری وی از به کار بردن صنایع غیرمسلمانان، مشهود همگان است (حکیمی، ۱۳۵۹، ص ۱۳۰).

پسر ارشد آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، که قریب پنجاه سال از عمر بابرکت پدر را درک کرده است، در گفت‌وگویی با مرکز خبر حوزه‌های علمیه، ناگفته‌های زیادی را از زندگی زاهدانه این عالم ربانی شرح داد. وی گفته است:

پدرم هیچ وقت لباس خارجی به تن نمی‌کرد و از خیاط می‌خواست با پارچه‌های تولید داخل برایش لباس بدوزند. آن موقع در ایران، دکمه تولید نمی‌شد و خیاط از دکمه خارجی استفاده کرده بود. علامه از خیاط خواسته بود که با قیطان، دکمه درست کند. نمونه‌ای از لباس ایشان در کتاب‌خانه محفوظ است که با این طریق تهیه شده است(محمدی متکازینی، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که به عنوان بنیان رشد اقتصادی در عمل و سیره عالمان دینی مشهود است، مسئله قناعت و ساده‌زیستی است. ملتی که مصرف‌گرایی را ارزش قلمداد کند هرگز نمی‌تواند اقتصاد

خود را توسعه بخشد؛ زیرا مصرف‌زدگی و عدم برخورداری از الگوی صحیح مصرف، موجب هدررفت منابع ملی شده، مانع جریان یافتن چرخ تولید می‌گردد.

عالمان دینی در سیره و منش خود، علاوه بر تبلیغ ساده‌زیستی، خود نیز به این مهم اهتمام می‌ورزیدند، به‌گونه‌ای که در طول تاریخ شیعه، عموم مردم یکی از شاخصه‌های مرجعیت را ساده‌زیستی می‌دانسته‌اند.

در این خصوص، صرفه‌جویی و ساده‌زیستی مرحوم *آخوند خراسانی* زیانزد عام و خاص بوده است. ایشان در زهد و ورع، اول شجره بریه بود. تابستان لباسش... کرباس بود و زمستان ترک می‌پوشید و به یک جامهٔ برک سه چهار سال به سر می‌برد، و اگر زاید بر قدر کفاف به رسم تعارف می‌آوردند به غیر می‌داد، و چون در غایت نظافت می‌زیست، خیال می‌شد که البسهٔ فاخر پوشیده، و آبش را زیاد می‌نمودند که زاید بر بیست نفر از آن آب گوشت می‌خوردند. اطعمهٔ لذیذه را خوش نداشت. میل مفرط به دوغ داشت. با آن ریاست، گذرانش را از وضع طلبگی تغییر نداده بود، بلکه قانع‌تر از طلبه‌های زمان خود بود(مختاری، ۱۳۷۷، ص ۴۶۲).

شیخ *انصاری* (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) به‌عنوان مرجع «کل فی الکل» شیعه نیز سرآمد ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی بود.

دختر شیخ انصاری نقل کرده: روزی ناصرالدین شاه برای زیارت و دیدار با شیخ، وارد منزل ایشان در نجف اشرف شد. آثار زهد عیسوی و علایم ورع بیحوی را در پیشانی شیخ یافت. در اتاق او، کمی پشگل - به جای ذغال - در منقل مشتعل بود و یک سفرهٔ حصیری به دیوار آویزان. در کنار منقل گلی، یک «پیه‌سوز سفالی» اتاق را نیمه‌روشن کرده بود. اینها بود اسباب اتاق آن قطب دائرةٔ فقاها. شاهزاده چون وضع اتاق را برانداز کرد، نتوانست از اظهار مطلب درونی خود، خودداری کند. از این رو، گفت: اگر ملا و مجتهد این است، پس حاج ملاعلی کنی چه گوید؟! سخنش هنوز تمام نشده بود که شیخ انصاری از جا برخاست و با ناراحتی فرمود: چه گفتمی؟ این کلام کفرآمیز چه بود؟! بدان که خود را جهنمی کردی! برخیز و از نزد من دور شو... شاهزاده از تهدیدات شیخ به گریه افتاد و گفت: آقا، توبه کردم! نفهمیدم، مرا عفو کنید! دیگر از این غلطها نمی‌کنم. شیخ از خطای او گذشت و فرمود: تو کجا و اظهار نظر دربارهٔ ملاعلی کنی کجا؟ (همان، ص ۴۵۹)

فردوس التواریخ می‌نویسد: زهد و حید بهبهانی به اندازه‌ای بود که لباس‌هایش کرباس و تابدار بود و غالباً آنها را همسر مکرمه‌اش - مادر آقا محمدعلی صاحب **مقامع** - مهیا می‌کرد و می‌بافت و به البسه و اقمشهٔ دنیا هیچ نظر نداشت (دوانی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰).

در *مرآت الاحوال* آمده است: در مدت عمر، به جمع زخارف دنیوی همت مصروف نفرمود. کناره‌گیری از زراندوزان شیوهٔ او بود. از معاشرت آنها دامن کشیده بود و مصاحبت و نشست و برخاست با مستمندان را خوش می‌داشت (همان).

استاد مطهری نقل می‌کند:

مرحوم وحید بهبهانی روزی عروسی را دید که جامه عالی و فاخر پوشیده است. به پرسش اعتراض کرد که: چرا برای زنت اینجور لباس می‌خری؟ و در پاسخ به پسر خود، که گفت: لباس فاخر و زیبا را چه کسی حرام کرده؟ گفت: پسر! نمی‌گویم که اینها حرام است؛ البته حلال است. من روی حساب دیگری می‌گویم. من مرجع تقلید و پیشوای این مردم هستم. در میان مردم، غنی و فقیر هستند، ولی طبقات زیادی هم هستند که آنها نمی‌توانند اینجور لباس بپوشند؛ لباس کرباس می‌پوشند. ما که نمی‌توانیم این لباس را که خودمان می‌پوشیم برای مردم هم تهیه کنیم و نمی‌توانیم آنها را در این سطح زندگی بیاوریم، ولی یک کار از ما ساخته است و آن همدردی کردن با آنهاست. آنها چشمشان به ماست. یک مردم فقیر وقتی زنش از او لباس فاخر مطالبه می‌کند، یک مایه تسکین خاطر دارد. می‌گوید: گیرم ما مثل ثروتمندان نبودیم، ما مثل خانه آقای وحید زندگی می‌کنیم (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۷۶).

همچنین علامه طباطبائی، مفسر بزرگ قرن معاصر، نیز به عنوان عالمی الهی و زاهدی متقی معروف است که در زندگی شخصی خویش، بسیار صرفه‌جو و زاهد بود. یکی از شاگردان ایشان نقل می‌کند: حضرت علامه همواره با عمامه‌ای بسیار کوچک از کرباس سرمه‌ای رنگ، و تکمه‌های باز قبا، و بدون جوراب، با لباس کمتر از معمول، در کوچه‌های قم تردد داشت. خانه‌اش نیز بسیار محقر و ساده بود. فرزند ایشان نقل می‌کند که در خانه‌ای بسیار کوچک و محقری بزرگ شده است؛ خانه‌ای که حتی مرحوم علامه نمی‌توانست دوستانش را در آنجا پذیرایی کند؛ چون از نظر امکانات بسیار محدود بود... مدت‌ها زندگی استاد از حق تألیف کتاب‌هایشان اداره می‌شد. سال‌ها مبالغ هنگفتی مقروض بودند و نزدیکان ایشان، حتی دامادشان مرحوم قدوسی - رضوان الله علیه - از این موضوع اطلاع نداشت (مختاری، ۱۳۷۷، ص ۶۴-۶۵).

د. اهداف اقتصادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی الگوی اقتصادی مستخرج از سیره عالمان دین، مسئله «اهداف اقتصادی» است.

مسلماً دین مبین اسلام بر خلاف پارادایم‌های غربی، هیچ‌گاه برای مقوله اقتصاد، کسب ثروت و رفاه، اصلتی قابل نیست. از این رو، عالمان دینی اهداف دیگری را در ضمن تقویت اقتصاد جامعه پی‌گیری می‌کرده‌اند که یکی از آنها «عدالت اجتماعی و اقتصادی» است.

مسئله اقتصاد کشورها در صورتی به توسعه پایدار دست خواهد یافت که همگرایی و همکاری ملی در حوزه‌های تولید و توزیع، به صورت همزمان محقق گردد؛ زیرا شکل‌گیری اقتصاد شکوفا و کارآمد

نمی‌تواند در ضمن جامعه‌ای نابسامان و پرکشمکش محقق گردد و یقیناً جامعه‌ای هم که در آن عدالت اجتماعی حاکم نباشد، از نظم و ثبات کافی برخوردار نخواهد بود.

از سوی دیگر، مبتنی بر آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام، جامعه اسلامی زمانی می‌تواند در حوزه اقتصاد به موفقیت دست یابد که چتر رفاه و آسایش را برای همه شهروندان خود به صورت عادلانه مهیا سازد.

می‌توان این غایات بلند و اهداف آرمانی را در گفتمان مرحوم مدرس نیز پی‌گیری کرد. از آن‌رو که بخش مهمی از مصوبات مجلس، قانون‌گذاری در ارتباط با اقتصاد کشور است، حضور مدرس در مجلس‌های یادشده او را به اظهارنظرهای گوناگون درباره اقتصاد کشور و شیوه‌های هدایت اقتصادی وامی‌داشت.

شهید مدرس دادن بیت‌المال عمومی را به کسی که برای عموم کار نمی‌کند، یکی از نمونه‌های هزینه‌های بیجا و ممنوع می‌دانست:

من می‌گویم مال بیت‌المال عمومی مسلمین را نباید مفت به کسی داد. مذهب من هم همین‌طور می‌گوید که مال عمومی را نباید به کسی داد که برای عموم کار نمی‌کند. در این مدت، آن مقدار مال عمومی را که به مردم داده‌اند، کمترش برای مصرف عامه و بیشتر آن به مناسبات شخصی بوده است (ملک‌محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸).

مطالبات عدالت‌خواهانه *آخوند خراسانی*، که طی پیامی ۱۰ ماده‌ای به منظور هدایت دل‌سوزانه به محمدعلی شاه ابلاغ شد، نکاتی همچون پیش‌گیری او از همکاری با روس‌ها و تشویقش به پذیرش خواست‌های قانونی مردم مسلمان ایران و نظام مشروطیت را در برداشت. این مکتوب سند جالب و زیبایی از منش عدالت‌خواهانه علمای شیعه در عصر قاجار است، ایشان در بند ششم و هفتم، توصیه‌هایی را به شاه قاجار ارائه می‌کند:

بند شش: کوشش کنید برای بسط عدالت و مساوات واقعی، به صورتی که شخص شاه با ضعیف‌ترین افراد ملت از لحاظ حقوق برابر باشند. و احکام شرعی اسلامی بر جمیع افراد، بدون استثنا حاکم باشد. و هرگاه شخص شاه در این راه ثابت‌قدم باشد و در راه اجرای این تکلیف بکوشد، مسلماً معاندین سرشکسته خواهند شد و اساس عدالت مستحکم خواهد گردید، نه اینکه فقط این امر جنبه حرف و وهم به خود بگیرد. بند هفت: باید نسبت به عموم رعیت محبت کرد و برای جلب قلوبشان، به آنان مهربانی نمود و برای برطرف ساختن گرفتاری‌هایشان و دلشاد کردنشان کوشید تا مهر تو در دل‌هایشان نشیند (جرفادقانی، ۱۳۶۴، ص ۳۶).

در خصوص عدالت در سیره شیخ انصاری آورده‌اند: زمانی که مادر شیخ از او درخواست کرد از وجوه شرعی مبلغی به برادرش کمک کند. او با احترام گفت: این اموالی که در دست من است حقوق فقیران

تجزیه و تحلیل

در این بخش، با توجه به اسناد تاریخی بررسی شده، که نمونه آن ذکر شده است، منطق پژوهش ایجاب می‌کند ابتدا رمزگذاری‌ها، سپس مفاهیم و در نهایت، جمع‌بندی و الگوی نهایی ارائه شود. اما به سبب حجم بالای مطالب، تنها نتیجه‌گیری ذکر می‌شود. بنابراین، بخش تجزیه و تحلیل با مفاهیم و مقولات تکمیل، و در نهایت، جمع‌بندی می‌شود.

فرایند رمزگذاری اسناد مذکور تا جایی که اشباع نظری محقق گردید و مفهوم و مقوله جدیدی به الگو اضافه نشد، ادامه یافت. جدول (۱)، جدول نهایی مفاهیم و مقولات حاصل از رمزگذاری اسناد مذکور است که با روش «داده بنیاد» به دست آمده است.

جدول (۱):

مقولات	مفاهیم	نمونه‌ای از مصادیق
زیرساخت‌های اقتصادی	آگاهی بخشی در خصوص آثار وابستگی	- صدور اعلامیه و تحذیر مردم از خطرات وابستگی؛ - نامه‌نگاری و مراوده بین علما سایر بلاد در خصوص خطرات وابستگی مسلمانان؛ - اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص حمایت از تولید داخلی و تحریم مصرف کالاهای خارجی؛ - هشدار به دولت‌مردان نسبت به وابستگی و دوستی با استعمارگران؛ - فتوا در خصوص حرمت مصرف دخانیات؛ - نفی واردات کالاهای غیرضروری از خارج؛
	ترویج و تشویق به مصرف تولیدات داخلی	- دعوت از مردم برای مصرف منسوجات داخلی؛ - تبلیغ برای «شرکت اسلامی» که پیشرو در تولید منسوجات در داخل کشور بود. - صدور بیانیه و سخنرانی علما در زمینه استفاده از محصولات تولید داخل.
	افزایش خودباوری اقتصادی	- حمایت از اختراعات و اکتشافات داخلی؛ - ایراد سخنرانی و صدور اعلامیه برای افزایش اعتماد به نفس ملت و یادآوری سابقه تاریخی مسلمانان؛ - خرید تضمینی تولیدات داخلی توسط «شرکت اسلامی»؛ - تبلیغ محصولات داخلی در بیانیه علما.
	نفی سلطه بیگانه	- تأمین مخارج کشور از داخل؛ - عدم استقراض از دولت‌های بیگانه؛ - عدم استقراض از بانک‌های خارجی؛ - مبارزه با استعمار در اقداماتی همچون تحریم استفاده از دخانیات و مواد مخدر.
	ترویج سبک زندگی اسلامی	- استفاده نکردن از منسوجات اجانب. - استفاده علما از تولیدات داخلی و توصیه آن به عموم مردم؛ - نفی تشبه به کفار؛ - قطع نفوذ بیگانه با حمایت از برچیدن مدارس خارجی؛

و مستمندان است و بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود همه تنگ‌دستان در این باب یکسانند و بسان داندانه‌های شانه. و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد.

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به عنوان مرجع و رهبر دینی در جهت قطع ایادی خارجی از کشور، همواره پیگیر رواج صنایع و دانش‌های نوین، فقرزدایی و تأمین رفاه عمومی، و تأمین عدالت اجتماعی بر پایه قوانین شرعی اسلامی با نظارت فقیهان بر اسلامیت آنها و ایجاد ارتش نیرومند به سلاح‌های روز بود تا از کیان کشور پاس‌داری کند (شکوری، ۱۳۷۴، ص ۳۴۸-۳۴۹).

یکی از تجلیات پی‌گیری مسئله عدالت اقتصادی در تاریخ ایران، موضوع ملی شدن صنعت نفت است. در تمام مراحل ملی شدن صنعت طی کرده، آیت‌الله کاشانی نقش محوری و رهبری داشته است. وی با فشارهای سیاسی که به پشتوانه قوی مردمی خود داشت، موجب می‌شد تا اولاً، سایر طرف‌داران ملی شدن صنعت نفت - از مصداق و یارانش گرفته تا مردم عادی - از ادامه راه بازمانند و استقامت ورزند و هم مخالفان ملی شدن صنعت نفت - چه رجال سیاسی داخلی و چه سفارت‌های بیگانه - عنان نهضت را به دست خود بیچانند و جهت دهند. آیت‌الله کاشانی از تبیین مفاسد اقتصادی کارگزاران دولتی و وضعیت اسفبار اقتصادی جامعه شروع کرد و کم‌کم طرح ملی شدن نفت را مطرح کرد (ره‌دار، ۱۳۹۰، ص ۴۹۹).

یکی از اهداف اساسی و آرمان‌های کلان عالمان دینی مسئله قطع وابستگی کشور به اجانب و استقلال همه‌جانبه آن بوده و آنان موضوع اقتصاد را به عنوان یکی از مقدمات دستیابی به استقلال ملی و دینی پیگیری می‌کرده‌اند.

در جهت نیل به استقلال همه‌جانبه کشور، شیخ فضل‌الله نوری شخصیتی به‌شمار می‌آید که معتقد بود: سیاست باید رنگ «دین» به خود بگیرد، و آن را مقدمه استقلال به معنای رهایی از یوغ سلطه اجنبی (به‌ویژه استعمار غرب)، و عدالت از طریق «مهار قانونمندان» دولت توسط مجلسی متشکل از نمایندگان طبیعی اصناف و طبقات جامعه می‌دانست. نخستین رکن سیاست شیخ رهایی از سلطه بیگانه، به‌ویژه استعمار غرب، در همه شئون فکری، سیاسی و اجتماعی بود که وی به‌درستی، دستیابی به ایران آباد و سربلند را در گرو آن می‌شمرد و زندگی‌اش را یکسره وقف مبارزه در راه آن ساخته بود. تقریظ وی بر *تبشیر اندر تبشیر* (۱۳۱۴ق) نشان می‌دهد که حرکت در این راه را مصداق «جهاد فی‌الله» می‌شمرد و «تجارت سودمند دنیا و آخرت» می‌دانست (ابوالحسنی منذر، ۱۳۸۵، ص ۷۴).

الگوی نهایی

الگوی پیشنهادی طبق جدول (۱)، شامل چهار مقوله اصلی و ۳۰ مفهوم کلی است. در این الگوی فرایندی، که بر اساس داده‌های تاریخی تنظیم شده است، فعالیت‌های ارشادی و عملی عالمان دینی در جهت حفظ استقلال و توسعه اقتصادی جامعه اسلامی، با استفاده از راهبردهایی همچون خوکفایی، نخبه‌گرایی و توسعه عدالت اجتماعی پی‌گیری می‌شود. اما باید توجه داشت که تحقق این اهداف نیازمند زیرساخت‌هایی است که لزوماً محدود به عرصه اقتصاد نبوده و ساحت فرهنگ و سیاست را نیز دربر می‌گیرد. در این الگو روابط بسیاری از بخش‌ها به صورت طرفینی دیده شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در عصر کنونی، ناکارآمدی الگوهای تقلیدی در حوزه‌های علوم انسانی و از جمله اقتصاد ثابت شده است. از این رو، کشور ما به عنوان یک کشور اسلامی صاحب تمدن، در صورتی می‌تواند در عرصه اقتصادی به شکوفایی برسد که با اتکا به تجربه تاریخی خود و نظر داشت به اقتضائات و ظرفیت‌های داخلی و بومی خود، در بخش منابع انسانی و مواهب طبیعی، به تدوین نظریه‌های کاربردی در این خصوص بپردازد. از این رو، زندگی و سیره عالمان دینی به عنوان رهبران دینی و فرهنگی، که در طول تاریخ کشور ما، همواره با هدایت و راهبری خود توانستند استقلال و تمامیت ارضی و دینی ملت را حفظ کنند، می‌تواند مبنای خوبی برای نظریه‌پردازی در این حوزه باشد.

در این تحقیق، با ارائه الگویی مستخرج از سیره عملی و تبلیغی این بزرگان، منبعی برای سیاست‌گذاری متناسب با مقوله اقتصاد درون‌زا و مقاومتی ارائه کرد و ایده‌ای برای تحقیق و پژوهش بیشتر در این حوزه مطرح ساخت. الگوی اقتصادی مستخرج از این پژوهش مبتنی بر چهار مؤلفه اساسی است: «مدیریت اقتصادی»، «راهبردهای اقتصادی»، «اهداف اقتصادی» و «زیرساخت‌های اقتصادی» که به صورت نظام‌مند و فرایندی تدوین شده است.

این نظام برای نیل به اهداف خود، که در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مطرح تعریف شده است، با اتخاذ راهبردهایی مبتنی بر اقتضائات دینی و ملی، به گونه‌ای صحیح منابع را مدیریت می‌کند.

شایان ذکر است که مدیریت مطمح‌نظر در این الگو، محدود به منابع عینی و موجود نیست و از این رو، در جهت همراه کردن منابع انسانی و کسب حمایت داخلی، به تقویت بنیان‌های فرهنگی نیز

راهنمای اقتصاد	حمایت از تولیدات داخلی	- تشویق مردم به تولید کالاهای داخلی؛ -انجام مکاتبات اداری قباله‌جات و احکام شرعی با کاغذ ایرانی؛ - گسترش تولیدات کشاورزی در کشور؛ - تجهیز اموات با پارچه ایرانی.
	نوسازی اقتصادی	-تحریم خرید و فروش اجناس خارجی به‌ویژه از دولت روسیه و انگلستان؛
	استفاده از فناوری‌های نوین	- تهیه لباس محصلان از پارچه ایرانی؛
	حمایت از مخترعان داخلی	-انجام معاملات دولت و ملت بر اساس احکام و قواعد اسلامی؛ - حمایت از تأسیس شرکت‌ها و کارخانه‌های داخلی نظیر «شرکت اسلامی».
مدیریت اقتصادی	اصلاح قوانین	- ایجاد همبستگی بین دولت و مردم - مشارکت دولت و مجلس با مردم - مدیریت منابع - خصوصی سازی - نخبه‌گرایی در مدیریت
	ایجاد همبستگی بین دولت و مردم	- پی‌گیری مرحوم مدرس برای تصویب مصوباتی در جهت همکاری صمیمانه دولت و مجلس. - توصیه دولت‌مردان به استفاده بهینه از بیت‌المال؛ - سخنرانی‌های مرحوم مدرس در مجلس شورای ملی، مبنی بر منع تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی؛ - هماهنگی میان شیخ فضل‌الله نوری و میرزای شیرازی در زمینه منع مصرف قند و کالاهای روسی و انگلیسی.
	مشارکت دولت و مجلس با مردم	- بیانیه حاج‌آقا نورالله اصفهانی، مرحوم نائینی و مانند آنها؛
	مدیریت منابع	- صرفه‌جویی عمومی در جهت کاهش واردات؛ - جلوگیری از مخارج زاید در دولت و توسط ملت؛ - توصیه به قناعت و پرهیز از دنیازدگی.
	خصوصی سازی	- شرکت نکردن در مجالس اشرافی؛ - تحذیر از اسراف در شرایط آن زمان کشور؛ - توصیه به برگزاری مهمانی‌های ساده و طبخ یک نوع غذا.
	نخبه‌گرایی در مدیریت	- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر - مبارزه با مفاسد اقتصادی - دفع مداخلات خارجی - تحریم کالاهای خارجی
	مشروعیت معاملات	- تأکید شهید مدرس بر نپرداختن بیت‌المال به کسی که برای عموم کار نمی‌کند. - تغییر و اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز؛ - نفی انجام معاملات ربوی با بیگانه؛ - تأمین عدالت اجتماعی بر اساس قوانین شرعی؛ - فقرزدایی و ترقی حال عمومی مردم؛ - ملی و همگانی کردن منابع ملی نظیر صنعت نفت و مخالفت با قرارداد رویترز.
	صرفه‌جویی اقتصادی	- تقویت تولیدات داخلی - استقلال اقتصادی - رشد خودباوری - اصلاح شیوه‌های اقتصادی
	شرکت نکردن در مجالس اشرافی	- حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی. - پی‌گیری اقتصاد تعاون‌محور. - احداث شرکت‌های تعاونی، نظیر «شرکت اسلامی»؛ - توصیه به نشر و بسط علوم و صنایع جدید؛
	تحذیر از اسراف در شرایط آن زمان کشور	- میان مدت - اصلاح شیوه‌های اقتصادی
توصیه به پرهیز از دنیازدگی	- بلندمدت - بسط عدالت اجتماعی - توسعه رفاه اجتماعی - استقلال همه‌جانبه کشور. - مرجعیت کشور در سطح بین‌الملل	

می‌پردازد و با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم دین، از قبیل نفی وابستگی مسلمانان به کفار و تعالی جامعه اسلامی، به حوزه سیاست و اجتماع نیز وارد شود.

«اقتصاد مقاومتی» در سیره عالمان دینی از یک‌سو، ریشه در نفی سلطه بیگانگان و برتری مسلمانان بر کفار و از سوی دیگر، به تقویت بنیه تولیدات داخلی نظر دارد و از این‌رو، به هر عاملی که به تقویت این دو محور کمک کند، از جمله علوم و فناوری روز، تقویت زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی و سیاست نیز متکی است.

اما مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی، هدف غایی تقویت نظام اقتصادی، انباشت ثروت، و اشرافی‌گری نیست و از این‌رو، با رد اصالت اقتصاد، آن را ابزاری می‌داند در جهت بسط عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی و حمایت از مظلومان به معنای عام آن، که می‌تواند جامعه غیراسلامی را نیز دربر گیرد.

بنابراین، در این نظام اقتصادی در سطح خرد، اهدافی همچون تأمین نیازها و ارتقای سطح معیشت مردم در جهت رشد معنوی آنان، و در سطح کلان، اقتدار و توسعه اسلام و نفی سلطه همه‌جانبه اجانب بر مسلمانان، را پی‌گیری می‌کند. این نظام اقتصادی شریعت‌محور است و قواعد و سازوکار خود را با مبانی دینی انطباق می‌دهد. این نظام در بُعد خارجی، مؤلفه‌هایی همچون، نفی هرگونه وابستگی به کفار و مشرکان را به عنوان لازمه استمرار نظام قلمداد می‌کند و در بُعد داخلی، هرگونه تبعیض، تزییع حق و سلطه‌جویی را محکوم می‌داند. در این الگو، لازم است در جهت تعامل سالم و بهینه اجزا و بهره‌وری بیشتر، از افراد، امکانات و صنایع نوین نهایت استفاده شده، منابع به بهترین وجه مدیریت گردد.

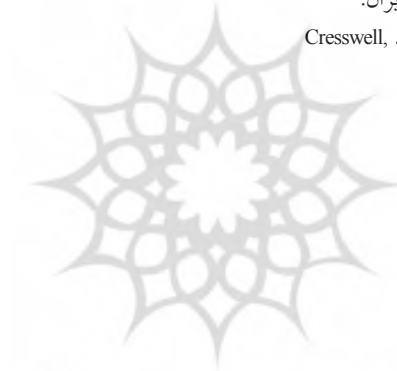
این الگوی اقتصادی در جهت دستیابی به اهداف، هیچ تمایزی میان دولت‌مردان و عامه مردم قایل نیست و عموم ملت و دولت را در قبال حفظ نظام و تمامیت ارضی کشور مسئول می‌داند.

به طور خلاصه، الگوی اقتصادی مستخرج از افکار و سیره عالمان دینی بر خلاف اقتصاد آزاد غربی، که بر محور اومانیسیم و بازار آزاد پایه‌ریزی شده است و منفعت حداکثری اشخاص را فارغ از نگاه جمع‌گرایانه و انسان‌دوستانه پی‌گیری می‌کند، با تکیه بر احکام اسلامی، خودباوری ملی و با استفاده حداکثری از منابع داخلی، در پی استقلال کامل از بیگانگان و بسط عدالت و رفاه اجتماعی مسلمانان است.

منابع

- ابوالحسنی منذر، علی، ۱۴۱۷ق، *زندگی نامه آیت الله العظمی سید محمدکاظم طباطبائی یزدی*، یزد، ستاد بزرگداشت. —، ۱۳۸۵، *دیده بان بیدار: دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری*، چ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- استراس، انسلم و جولیت کوربین، ۱۳۸۷، *اصول روش تحقیق: نظریه‌های مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسلامی، ابراهیم، ۱۳۷۶، «میرحامد حسین، پاسدار ولایت»، *گلشن ابرار*، قم، معروف.
- آبادیان، حسین، ۱۳۸۳، *بحران مشروطیت در ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- جرفادقانی، م، ۱۳۶۶، *علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی*، قم، معارف اسلامی.
- حائری، عبدالهادی، ۱۳۸۱، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران، امیرکبیر.
- حسینی، سیدنعمت الله، ۱۳۷۵، *مردان علم در میدان عمل*، قم، جامعه مدرسین.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۵۹، *میرحامد حسین*، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی، ۱۳۸۶، «استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، *اندیشه مدیریت*، سال اول، ش ۲، ص ۶۹-۹۷.
- دوانی، علی، ۱۳۶۲، *وحید بهبهانی*، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- رازی، محمد، ۱۳۵۸، *مجاهد شهید آیت الله حاج شیخ محمد باقری*، چ دوم، قم، پیام اسلام.
- روزنامه ثریا*، سال دوم، سال ۱۳۱۷، ش ۱۳.
- روزنامه حبل‌المتین*، سال هفتم، ش ۱۰.
- رهدار، احمد، ۱۳۹۰، *غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۴، *سیره صالحان*، قم، شکوری.
- فرزندی اردکانی، عباسعلی و دیگران، ۱۳۹۴، «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها»، *پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*، دوره اول، ش ۱، ص ۶۳-۸۷.
- کسروی، احمد، ۱۳۸۷، *تاریخ مشروطه ایران*، چ نوزدهم، تهران، امیرکبیر.
- گفت‌وگو با دکتر عادل پیغامی درباره اقتصاد تحریم، Khamenei.ir/8/9/1394
- محمدرضا، احمد، ۱۳۸۹، *ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران، جامعه‌شناسان.
- محمدی متکازینی، سیدعلی، ۱۳۹۱، *تولید ملی در سیره عالمان و نجیبان*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- مختاری، رضا، ۱۳۷۷، *سیمای فرزندانگان*، قم، بوستان کتاب.

- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *احیای تفکر اسلامی*، چ نوزدهم، تهران، صدرا.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا، ۱۳۸۳، *مدرس و سیاست‌گذاری عمومی، بررسی اندیشه و عمل سیاسی شهید آیت الله سیدحسین مدرس*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- موحد، مجید و همکاران، ۱۳۸۹، «رسانه، جنسیت و مصرف‌گرایی»، *راهبردی زنان*، سال دوازدهم، ش ۴۷.
- نجفی، موسی، ۱۳۷۱، *حکم نافذ آقاجنقی: عرفان، مرجعیت و سیاست و فتاوی از تحریم سیاست غرب در ایران*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، موسی، ۱۳۷۱، *متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ____، ۱۳۷۸، *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- Cresswell, J. W, 2005, *Educational Research: Planning, Conducting, & Evaluating*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی